Comparative Studies in Jurisprudence, Law, and Politics

A Comparative Study of the Effects of Electronic Contracts and Civil Contracts

1. Ahmad Banazadeh: Department of Private Law, UAE.C., Islamic Azad University, Dubai, United Arab Emirates
2. Seyed Hadi Hosseini*: Department of Private Law, CT.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran.
Email: HossiniHadi1335@gmail.com (Corresponding Author)
3. Hossein Mehrpour Mohammad Abadi: Department of Private Law, Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

ABSTRACT

The expansion of information and communication technologies has substantially transformed the formation and performance of contracts and has made electronic contracting an important mechanism for regulating contemporary legal and economic relationships. This study aims to comparatively examine the legal effects of electronic contracts and civil contracts and to identify their principal similarities and differences. The research adopts a descriptive-analytical and comparative approach based on the general principles of contract law and the specific requirements of the electronic environment. The findings indicate that electronic contracts do not fundamentally differ from civil contracts in terms of their essential legal foundations. Principles such as freedom of contract, binding force, validity of transactions, relativity of contractual effects, contractual capacity, and the necessity of valid intention and consent apply to both forms of contract. The principal differences arise from the manner in which contractual intention is expressed, offer and acceptance are communicated, the identities of the parties are authenticated, and the time and place of contract formation are determined. Electronic contracting also introduces specific issues concerning the evidentiary value of data messages and the legal function of electronic signatures. The effects of contracts on the parties and third persons, the enforceability of obligations, the right to demand performance, and liability for breach are generally governed by common contractual principles in both contexts. Nevertheless, the absence of physical presence, the use of automated systems, the involvement of electronic platforms and technical intermediaries, and reliance on digital records create distinctive challenges concerning attribution of intention, proof of contractual terms, and performance. The study concludes that electronic contracts should primarily be regarded as technologically transformed forms of civil contracts, while specific electronic commerce rules should complement and adapt general contract law to the requirements of the digital environment rather than establish an entirely independent contractual system.

Keywords: *Electronic Contract, Civil Contract, Contractual Effects, Data Message, Electronic Signature, Contractual Obligations, Principle of Relativity.*

How to cite: Banazadeh, A., Hosseini, S. H., & Mehrpour Mohammad Abadi, H. (2027). A Comparative Study of the Effects of Electronic Contracts and Civil Contracts. *Comparative Studies in Jurisprudence, Law, and Politics*, *9*(4), 1-22.

© 2027 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 23 May 2026
Revise Date: 27 October 2026
Accept Date: 03 November 2026
Initial Publish Date: 18 November 2026
Final Publish Date: 23 October 2027

پژوهش‌های تطبیقی فقه، حقوق و سیاست

بررسی تطبیقی آثار قراردادهای الکترونیکی و قراردادهای مدنی

۱. احمد بنازاده: گروه حقوق خصوصی، واحد امارات، دانشگاه آزاد اسلامی، دبی، امارات متحده عربی
۲. سید هادی حسینی*: گروه حقوق خصوصی، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
پست الکترونیک: HossiniHadi1335@gmail.com (نویسنده مسئول)
۳. حسین مهرپور محمدآبادی: گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

چکیده

گسترش فناوری اطلاعات و ارتباطات، شیوه انعقاد و اجرای قراردادها را دگرگون ساخته و قراردادهای الکترونیکی را به یکی از مهم‌ترین ابزارهای تنظیم روابط حقوقی و اقتصادی تبدیل کرده است. پژوهش حاضر با هدف بررسی تطبیقی آثار قراردادهای الکترونیکی و قراردادهای مدنی و تبیین میزان اشتراک و افتراق آنها انجام شده است. روش پژوهش توصیفی ـ تحلیلی و مبتنی بر مطالعه تطبیقی قواعد عمومی قراردادها و الزامات ویژه محیط الکترونیکی است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که قراردادهای الکترونیکی از حیث مبانی اساسی، ماهیتی متفاوت از قراردادهای مدنی ندارند و اصولی همچون حاکمیت اراده، لزوم قرارداد، صحت معامله، نسبی بودن آثار قرارداد، اهلیت طرفین و ضرورت وجود قصد و رضای معتبر در هر دو نوع قرارداد حاکم است. تفاوت اصلی در شیوه ابراز اراده، نحوه شکل‌گیری ایجاب و قبول، احراز هویت طرفین، تعیین زمان و مکان انعقاد، ارزش اثباتی داده‌پیام و استفاده از امضای الکترونیکی مشاهده می‌شود. همچنین، آثار قرارداد نسبت به طرفین و اشخاص ثالث، اصل الزام‌آوری تعهدات، امکان مطالبه اجرای قرارداد و مسئولیت ناشی از نقض تعهد در هر دو حوزه بر مبانی مشابهی استوار است. با این حال، محیط الکترونیکی به سبب عدم حضور فیزیکی طرفین، دخالت سامانه‌های خودکار، نقش پلتفرم‌ها و واسطه‌های فنی و وابستگی به داده‌های دیجیتال، مسائل خاصی را در زمینه انتساب اراده، اثبات قرارداد و اجرای تعهدات ایجاد می‌کند. نتیجه پژوهش نشان می‌دهد که قرارداد الکترونیکی را باید صورت فناورانه قرارداد مدنی دانست و قواعد خاص تجارت الکترونیکی نیز باید عمدتاً در جهت تکمیل و سازگار ساختن قواعد عمومی قراردادها با ویژگی‌های محیط دیجیتال تنظیم شوند، نه ایجاد نظامی مستقل و منفک از حقوق مدنی.

واژگان کلیدی: *قرارداد الکترونیکی، قرارداد مدنی، آثار قرارداد، داده‌پیام، امضای الکترونیکی، تعهدات قراردادی، اصل نسبی بودن.*

نحوه استناددهی: بنازاده، احمد.، حسینی، سید هادی.، و مهرپور محمدآبادی، حسین. (۱۴۰۶). بررسی تطبیقی آثار قراردادهای الکترونیکی و قراردادهای مدنی. *پژوهش‌های تطبیقی فقه، حقوق و سیاست*، ۹(۴)، ۲۲-۱.

© ۱۴۰۶ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به‌صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۲ خرداد ۱۴۰۵
تاریخ بازنگری: ۵ آبان ۱۴۰۵
تاریخ پذیرش: ۱۲ آبان ۱۴۰۵
تاریخ چاپ اولیه: ۲۷ آبان ۱۴۰۵
تاریخ چاپ نهایی: ۱ آبان ۱۴۰۶

مقدمه

تحولات فناورانه در چند دهه اخیر نه‌تنها ابزارهای ارتباطی را دگرگون ساخته، بلکه شیوه شکل‌گیری، اجرا و اثبات روابط حقوقی را نیز تحت تأثیر قرار داده است. قرارداد که از بنیادی‌ترین ابزارهای تنظیم روابط خصوصی و اقتصادی اشخاص به شمار می‌رود، دیگر الزاماً در محیط فیزیکی، با حضور هم‌زمان طرفین و از طریق اسناد کاغذی منعقد نمی‌شود، بلکه بخش قابل توجهی از روابط قراردادی در محیط‌های الکترونیکی و از طریق تبادل داده‌پیام شکل می‌گیرد. توسعه اینترنت، شبکه‌های رایانه‌ای، سامانه‌های فروش آنلاین و شیوه‌های پرداخت الکترونیکی سبب شده است که طرفین بتوانند بدون حضور فیزیکی و گاه بدون هرگونه ارتباط مستقیم انسانی، قراردادهایی با آثار حقوقی گسترده منعقد کنند. تجارت الکترونیکی در این معنا صرفاً انتقال فعالیت تجاری از فضای فیزیکی به فضای مجازی نیست، بلکه شیوه ارائه اطلاعات، اعلام اراده، احراز هویت، اثبات قرارداد و حتی اجرای برخی تعهدات را نیز متحول کرده است. سانایی گسترش تجارت الکترونیکی را از جلوه‌های مهم تحول فعالیت اقتصادی در عصر اطلاعات می‌داند که امکان انجام مبادلات را با سرعت و هزینه کمتر فراهم ساخته است (Sanayei, 2002). با این حال، تغییر ابزار انعقاد قرارداد لزوماً به معنای ایجاد ماهیتی کاملاً جدید و مستقل از قواعد عمومی قراردادها نیست و همین مسئله یکی از مهم‌ترین مباحث حقوق قراردادهای الکترونیکی را تشکیل می‌دهد.

در حقوق مدنی، قرارداد محصول توافق اراده دو یا چند شخص برای ایجاد اثر حقوقی است و اعتبار آن اصولاً به وجود شرایط اساسی صحت معامله وابسته است. قواعد عمومی قراردادها، اعم از ضرورت وجود قصد و رضا، اهلیت طرفین، معین بودن موضوع و مشروعیت جهت، در تحلیل قراردادهای خصوصی نقش بنیادین دارند. شهیدی شکل‌گیری قرارداد را مبتنی بر تلاقی اراده‌های معتبر حقوقی می‌داند و تأکید می‌کند که آنچه به توافق وصف الزام‌آور می‌بخشد، تحقق شرایط حقوقی لازم برای انتساب اراده و ایجاد اثر است (Shahidi, 2001). کاتوزیان نیز قرارداد را نهادی مبتنی بر حاکمیت اراده می‌داند که آثار آن در محدوده قانون و نظم عمومی برای طرفین الزام‌آور می‌شود (Katouzian, 2020). این مبانی در قراردادهای الکترونیکی نیز اصولاً حفظ می‌شوند، با این تفاوت که شیوه اعلام اراده، ابزار ارتباط و نحوه انتساب پیام به اشخاص از قالب سنتی فاصله می‌گیرد. بنابراین، پرسش اصلی آن نیست که آیا قرارداد الکترونیکی اصولی کاملاً متفاوت از قرارداد مدنی دارد، بلکه مسئله اساسی این است که قواعد سنتی قراردادها چگونه در محیطی اعمال می‌شوند که ارتباطات در آن به صورت داده‌پیام، خودکار و غیرحضوری تحقق می‌یابد.

قرارداد الکترونیکی را می‌توان قراردادی دانست که مراحل ایجاد یا دست‌کم اعلام ایجاب و قبول آن از طریق وسایل الکترونیکی انجام می‌شود. ویژگی الکترونیکی قرارداد بیشتر به شیوه انعقاد مربوط است تا به ماهیت رابطه حقوقی ناشی از آن. جهانی در بررسی اصول حاکم بر قراردادهای الکترونیکی نشان می‌دهد که قواعد بنیادی قرارداد، از جمله اصل آزادی قراردادها، رضایی بودن، حسن نیت و الزام‌آوری توافق، در محیط الکترونیکی نیز قابلیت اعمال دارند (Jahani, 2017). مگامینیا نیز ویژگی اساسی قرارداد الکترونیکی را در ابزار و روش انعقاد آن می‌بیند و نه در ایجاد یک نوع مستقل از عقد که از قواعد عمومی قراردادها جدا باشد (Moghaminia, 2012). در واقع، هنگامی که شخصی از طریق یک وب‌سایت کالایی را سفارش می‌دهد، آنچه از نظر حقوقی اهمیت دارد همچنان وجود ایجاب، قبول، قصد انشا و موضوع معین است؛ تفاوت در این است که این عناصر از طریق کلیک، ارسال فرم الکترونیکی، پست الکترونیکی یا سایر ابزارهای ارتباط دیجیتال ابراز می‌شوند.

با وجود این وحدت بنیادی، محیط الکترونیکی مسائل خاصی را پدید می‌آورد که نمی‌توان آنها را صرفاً با تکرار قواعد قراردادهای حضوری حل کرد. در قرارداد سنتی، شناسایی طرفین معمولاً از طریق حضور فیزیکی، امضا، سند یا قرائن خارجی انجام می‌شود، در حالی که در قرارداد الکترونیکی ممکن است هیچ مواجهه مستقیمی میان طرفین وجود نداشته باشد. هویت واقعی شخص استفاده‌کننده از حساب کاربری، انتساب داده‌پیام، اعتبار امضای الکترونیکی و احتمال دخالت سامانه‌های خودکار از جمله مسائلی است که بر آثار حقوقی قرارداد تأثیر می‌گذارد. اکبرینه و محمودزاده در تحلیل عناصر تشکیل معامله در فضای مجازی نشان داده‌اند که ابزارهای الکترونیکی سبب تغییر در نحوه اثبات عناصر تشکیل‌دهنده معامله می‌شوند، هرچند اصل ضرورت وجود آن عناصر همچنان باقی است (Akbarineh & Mahmoudzadeh, 2016). قنبری نیز تأکید می‌کند که داده‌پیام در حقوق تجارت الکترونیکی می‌تواند کارکردی مشابه نوشته سنتی داشته باشد و پذیرش حقوقی آن برای ایجاد امنیت در معاملات آنلاین ضروری است (Ghanbari, 2014).

یکی دیگر از مسائل اساسی، تعیین زمان و مکان انعقاد قرارداد الکترونیکی است. در بسیاری از قراردادهای سنتی، حضور طرفین در یک محل یا دست‌کم امکان تعیین روشن زمان دریافت قبول، مسئله را ساده می‌کند، اما در ارتباطات الکترونیکی میان زمان ارسال، ورود پیام به سیستم اطلاعاتی و آگاهی واقعی مخاطب ممکن است فاصله وجود داشته باشد. قربانوند نشان می‌دهد که تعیین زمان و مکان انعقاد قرارداد الکترونیکی علاوه بر آثار مربوط به تشکیل قرارداد، می‌تواند بر قانون حاکم، صلاحیت قضایی و اجرای تعهدات تأثیر بگذارد (Ghorbanvand, 2010). این موضوع به‌ویژه در معاملات فرامرزی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند، زیرا طرفین ممکن است در کشورهای مختلف مستقر باشند و سامانه‌ای که داده‌پیام از طریق آن منتقل می‌شود نیز در مکان دیگری قرار گرفته باشد. بنابراین، قرارداد الکترونیکی هرچند در بنیاد تابع همان نظریه عمومی قرارداد است، محیطی را ایجاد می‌کند که در آن قواعد سنتی باید با ویژگی‌های فنی ابزارهای ارتباطی تطبیق داده شوند.

تفاوت دیگری که در بررسی آثار دو نوع قرارداد اهمیت دارد، به مسئله نوشته و امضا مربوط می‌شود. در روابط سنتی، امضای دستی یکی از مهم‌ترین ابزارهای انتساب سند به شخص و اثبات رضایت او محسوب می‌شود. در محیط الکترونیکی، این نقش به امضای الکترونیکی و سازوکارهای فنی احراز هویت منتقل می‌شود. شکوری مقدم معتقد است که اعتبار حقوقی قرارداد الکترونیکی بدون پذیرش اصل هم‌ارزی داده‌پیام و نوشته سنتی با تردید جدی مواجه خواهد شد (Shakouri Moghaddam, 2005). همچنین نوری و نخجوانی توضیح می‌دهند که یکی از اهداف اصلی حقوق تجارت الکترونیکی رفع تبعیض میان اسناد کاغذی و داده‌پیام و فراهم ساختن امکان استناد به اطلاعات الکترونیکی در روابط حقوقی است (Nouri & Nakhjavani, 2011). در نتیجه، اثر حقوقی توافق نباید صرفاً به دلیل استفاده از ابزار الکترونیکی نفی شود، اما شرایط اطمینان از انتساب، تمامیت و قابلیت دسترسی اطلاعات همچنان اهمیت دارد.

آثار قراردادهای مدنی نیز از منظر قواعد عمومی متعدد است. قرارداد صحیح برای طرفین ایجاد الزام می‌کند، تعهدات صریح و ضمنی آنان را به وجود می‌آورد و در محدوده قانونی قابلیت اجبار دارد. امامی الزام ناشی از عقد را از نتایج طبیعی توافق معتبر می‌داند که موجب می‌شود هیچ‌یک از طرفین نتواند بدون مجوز قانونی از اجرای تعهد خودداری کند (Emami, 2019). قاسم‌زاده نیز بر این نکته تأکید دارد که قرارداد تنها متن صریح توافق نیست و آثار آن ممکن است از قانون، عرف و طبیعت رابطه قراردادی نیز ناشی شود (Ghasemzadeh, 2010). در فضای الکترونیکی نیز همین منطق قابل اعمال است؛ به این معنا که انعقاد قرارداد آنلاین صرفاً تعهداتی را که در صفحه فروش یا پیام طرفین نوشته شده ایجاد نمی‌کند، بلکه قواعد تکمیلی، عرف تجاری و لوازم متعارف قرارداد نیز بر آن حاکم خواهد بود.

اصل نسبی بودن قراردادها نیز در هر دو محیط اهمیت دارد. قرارداد اصولاً میان اشخاصی اثر الزام‌آور دارد که اراده آنان در تشکیل آن دخالت داشته است و نمی‌توان شخص ثالث را بدون مبنای قانونی متعهد ساخت. کاتوزیان اصل نسبی بودن را مکمل اصل حاکمیت اراده می‌داند؛ زیرا همان‌گونه که اراده شخص می‌تواند برای خود او تعهد ایجاد کند، اصولاً نمی‌تواند بدون رضایت یا حکم قانون برای دیگری الزام به وجود آورد (Katouzian, 2020). در قراردادهای الکترونیکی نیز صرف تغییر ابزار انعقاد موجب توسعه قلمرو شخصی آثار قرارداد نمی‌شود. با این حال، وجود واسطه‌های فنی، ارائه‌دهندگان خدمات پرداخت، پلتفرم‌ها، سامانه‌های خودکار و اشخاصی که در زنجیره مبادله دخالت دارند، تشخیص طرف قرارداد و شخص ثالث را پیچیده‌تر می‌کند.

از سوی دیگر، تعهدات طرفین در قراردادهای الکترونیکی ممکن است علاوه بر تعهدات معمول قرارداد، شامل تکالیفی مرتبط با محیط دیجیتال باشد. فروشنده اینترنتی ممکن است مکلف به ارائه اطلاعات روشن درباره کالا، قیمت، شرایط پرداخت و شیوه تحویل باشد و مصرف‌کننده نیز موظف به ارائه اطلاعات صحیح برای اجرای قرارداد شود. مقدم و همکاران در تحلیل حقوق و تکالیف متعاملین در بیع الکترونیکی نشان می‌دهند که هرچند تعهدات اصلی فروشنده و خریدار ریشه در قواعد عمومی بیع دارد، محیط الکترونیکی موجب برجسته شدن تکالیف اطلاعاتی و ضرورت حفظ امنیت مبادله می‌شود (Moghaddam et al., 2017). به همین ترتیب، اگر سامانه الکترونیکی امکان مشاهده شرایط عمومی معامله را فراهم نکرده باشد یا شروط به نحوی ارائه شوند که طرف مقابل عرفاً نتواند از آنها آگاه شود، اعتبار و قابلیت استناد آن شروط می‌تواند محل بحث قرار گیرد.

هدف این پژوهش، بررسی تطبیقی آثار قراردادهای الکترونیکی و قراردادهای مدنی و تعیین میزان اشتراک و افتراق آنها در حقوق ایران است. مسئله اصلی آن است که آیا الکترونیکی شدن فرآیند انعقاد قرارداد موجب تغییر در آثار اساسی عقد می‌شود یا تفاوت‌ها عمدتاً ناظر بر شیوه ایجاد، اثبات و اجرای همان آثار سنتی است. در این راستا، آثار قرارداد نسبت به طرفین و اشخاص ثالث، نیروی الزام‌آور قرارداد، حقوق و تعهدات متقابل، شروط قراردادی، شیوه اجرای تعهدات، داده‌پیام و مسائل مرتبط با احراز اراده مورد توجه قرار می‌گیرد. رویکرد پژوهش توصیفی ـ تحلیلی و تطبیقی است و تلاش می‌شود ضمن استفاده از قواعد عمومی قراردادها، ویژگی‌های خاص محیط الکترونیکی در هر یک از آثار حقوقی مورد ارزیابی قرار گیرد.

مبانی حقوقی آثار قراردادهای مدنی و الکترونیکی

شناخت آثار قراردادهای الکترونیکی بدون تبیین مبانی عمومی قرارداد در حقوق مدنی امکان‌پذیر نیست، زیرا قرارداد الکترونیکی در اصل شکل نوینی از تحقق توافق اراده‌هاست و نه نهادی که به طور کامل از نظریه عمومی قراردادها جدا باشد. در حقوق مدنی، قرارداد زمانی واجد اثر حقوقی می‌شود که اراده‌های طرفین به نحو معتبر با یکدیگر تلاقی کنند و شرایط لازم برای صحت عمل حقوقی فراهم باشد. کاتوزیان در تحلیل قواعد عمومی قراردادها میان مرحله ایجاد عقد و مرحله آثار آن ارتباط مستقیم برقرار می‌کند و معتقد است آثار الزام‌آور عقد تنها زمانی قابل تصور است که توافق در چهارچوب قواعد قانونی به وجود آمده باشد (Katouzian, 2020). شهیدی نیز قصد انشا را عنصر اصلی ایجاد عقد می‌داند و بیان اراده را وسیله آشکار ساختن قصد در عالم خارج تلقی می‌کند (Shahidi, 2001). از این منظر، وسیله بیان اراده می‌تواند گفتار، نوشته، رفتار یا هر ابزار دیگری باشد که عرفاً دلالت بر قصد انشا داشته باشد؛ بنابراین، در اصل مانعی وجود ندارد که داده‌پیام نیز نقش وسیله ابراز اراده را بر عهده گیرد.

این تحلیل با ماهیت رضایی بسیاری از قراردادهای مدنی سازگار است. اصل بر آن است که عقد با توافق اراده‌ها تحقق می‌یابد و شکل خاص تنها در مواردی ضرورت دارد که قانون آن را شرط اعتبار قرار داده باشد. امیری قائم‌مقامی در بررسی قواعد تعهدات بر اهمیت اراده و تراضی در پیدایش آثار قراردادی تأکید می‌کند و شکل را اصولاً وسیله‌ای برای ابراز یا اثبات توافق می‌داند، مگر آنکه قانون نقش تأسیسی برای آن در نظر گرفته باشد (Amiri Ghaem Maghami, 2008). از این جهت، انعقاد قرارداد از طریق شبکه اینترنت یا هر وسیله الکترونیکی دیگر، فی‌نفسه مانعی برای صحت آن ایجاد نمی‌کند. مسئله اساسی آن است که بتوان وجود اراده معتبر و انتساب اعلام آن به شخص معین را احراز کرد. جهانی نیز با تأکید بر اصل اعتبار قراردادهای الکترونیکی، الکترونیکی بودن شیوه ارتباط را عاملی برای بی‌اعتباری عقد نمی‌داند (Jahani, 2017).

ایجاب و قبول در قراردادهای الکترونیکی نیز از همین منطق پیروی می‌کنند. ایجاب باید به اندازه‌ای روشن باشد که قصد ایجاب‌کننده برای انعقاد قرارداد در صورت قبول مخاطب را نشان دهد و قبول نیز باید بیانگر رضایت به همان پیشنهاد باشد. آقایی بجستانی و روحانی مقدم در بررسی ایجاب و قبول در معاملات الکترونیکی نشان می‌دهند که تفاوت عمده در این حوزه به نحوه ارسال، دریافت و قابلیت دسترسی پیام مربوط می‌شود و نه به مفهوم بنیادی ایجاب و قبول (Aghaei Bajestani & Rouhani Moghaddam, 2008). برای نمونه، قرار دادن کالا با قیمت مشخص در یک وب‌سایت ممکن است بسته به اوضاع و احوال، ایجاب یا دعوت به ایجاب تلقی شود و کلیک کاربر بر گزینه «خرید» نیز ممکن است نقش قبول یا پیشنهاد خرید را ایفا کند. تشخیص این موضوع مستلزم بررسی ساختار سامانه، شرایط عمومی معامله و عرف حاکم بر آن است.

در قراردادهای مدنی سنتی، تطابق ایجاب و قبول معمولاً از طریق گفت‌وگوی حضوری، مکاتبه یا اسناد مکتوب احراز می‌شود. در محیط الکترونیکی، زمان ارسال و دریافت پیام اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. قربانوند نشان می‌دهد که فاصله احتمالی میان ارسال و ورود داده‌پیام به سیستم اطلاعاتی مخاطب می‌تواند تعیین لحظه انعقاد عقد را دشوار سازد (Ghorbanvand, 2010). این موضوع بر آثار مهمی چون امکان رجوع از ایجاب، تعیین آغاز تعهدات، انتقال خطر و حتی تشخیص قانون حاکم اثر دارد. بنابراین، اگرچه مفهوم قبول در دو نوع قرارداد واحد است، تعیین زمان تحقق اثر آن در محیط دیجیتال نیازمند قواعدی متناسب با ویژگی‌های فناوری ارتباطی است.

اصل حاکمیت اراده از مهم‌ترین مبانی مشترک هر دو نوع قرارداد محسوب می‌شود. اشخاص در محدوده قانون اختیار دارند درباره انعقاد قرارداد، انتخاب طرف مقابل، تعیین موضوع و تنظیم آثار توافق تصمیم بگیرند. کاتوزیان آزادی قراردادی را یکی از نتایج اساسی احترام به اراده خصوصی می‌داند، هرچند این آزادی را مقید به قوانین آمره، نظم عمومی و اخلاق حسنه می‌شمارد (Katouzian, 2020). در معاملات الکترونیکی نیز اصل آزادی قراردادها پابرجاست و طرفین می‌توانند بسیاری از شرایط رابطه خود را از طریق شروط الکترونیکی تعیین کنند. با این حال، شکل ارائه شروط اهمیت زیادی دارد؛ زیرا ممکن است یکی از طرفین عملاً فرصت مذاکره نداشته باشد و صرفاً با انتخاب گزینه‌ای مانند «می‌پذیرم» به شرایط از پیش تنظیم‌شده ملحق شود. در چنین مواردی، مسئله اصلی آن است که آیا شروط به نحو کافی در معرض اطلاع مخاطب قرار گرفته‌اند و آیا رضایت او نسبت به آنها قابل انتساب است.

قصد و رضا نیز از شرایط بنیادی مشترک است. در فقه امامیه، انشای عقد بدون قصد معتبر نمی‌تواند اثر حقوقی ایجاد کند و رضایت طرفین در مشروعیت مبادله جایگاهی اساسی دارد. شیخ انصاری در بحث معاملات بر ضرورت تحقق قصد انشایی و رضایت معتبر تأکید می‌کند (Ansari, 2013). شهید ثانی نیز در شرح لمعه، تحقق بیع را وابسته به ایجاب و قبولی می‌داند که از اراده معتبر طرفین ناشی شده باشد

(Zayn al-Din ibn Ali & Shirvani, 2017). این مبانی در قرارداد الکترونیکی تغییر نمی‌کنند؛ اما احراز قصد و رضا ممکن است پیچیده‌تر شود. کلیک اتفاقی، استفاده شخص غیرمجاز از حساب کاربری، نقص فنی یا عملکرد خودکار نرم‌افزار می‌تواند این پرسش را ایجاد کند که آیا واقعاً اراده‌ای معتبر برای انعقاد قرارداد وجود داشته است.

اهلیت طرفین نیز در هر دو نوع قرارداد یکسان است. اشخاص فاقد اهلیت نمی‌توانند صرفاً به دلیل استفاده از ابزار الکترونیکی از محدودیت‌های حقوق مدنی عبور کنند. صفایی در بحث اشخاص و محجوران نشان می‌دهد که اهلیت استیفا پیش‌شرط انجام مستقل اعمال حقوقی است و فقدان آن حسب مورد می‌تواند موجب بطلان یا عدم نفوذ عمل شود (Safaei, 2005). در محیط اینترنت، احراز سن و وضعیت اهلیت دشوارتر است، زیرا فروشنده ممکن است صرفاً اطلاعاتی را مشاهده کند که کاربر در سامانه ثبت کرده است. همین امر ضرورت ایجاد سازوکارهای مناسب احراز هویت را افزایش می‌دهد، هرچند مسئولیت حقوقی هر مورد باید بر اساس قواعد عمومی اهلیت و شرایط واقعی معامله تحلیل شود.

موضوع قرارداد نیز باید واجد شرایط لازم برای ایجاد اثر باشد. الکترونیکی شدن قرارداد به معنای امکان معامله هر موضوعی نیست و قواعد مربوط به مالیت، قابلیت انتقال، معین بودن و مشروعیت موضوع همچنان اعمال می‌شوند. کاتوزیان در بحث عقود معین، موضوع بیع را عنصری می‌داند که باید قابلیت انتقال و ارزش اقتصادی مشروع داشته باشد (Katouzian, 2019). طاهوری نیز در تحلیل ماهیت بیع بر ضرورت وجود مبیع قابل تعیین و ثمن معلوم در چارچوب قواعد مربوط به معامله تأکید می‌کند (Tahouri, 2017). تفاوت در قرارداد الکترونیکی این است که موضوع ممکن است خود ماهیتی دیجیتال داشته باشد؛ مانند نرم‌افزار، فایل یا خدمات آنلاین. با این حال، دیجیتال بودن موضوع موجب خروج آن از منطق کلی تعهدات نمی‌شود و همچنان باید مشخص باشد که هر طرف چه چیزی را باید تسلیم یا اجرا کند.

یکی از مهم‌ترین مبانی اختصاصی آثار قرارداد الکترونیکی، شناسایی حقوقی داده‌پیام است. قراردادهای سنتی غالباً با نوشته کاغذی و امضای دستی اثبات می‌شوند، اما محیط دیجیتال بر داده‌هایی متکی است که قابلیت ذخیره، انتقال و بازیابی الکترونیکی دارند. قنبری پذیرش داده‌پیام را پایه حقوقی تجارت الکترونیکی می‌داند، زیرا بدون اعتبار بخشیدن به آن نمی‌توان بسیاری از اعمال انجام‌شده در فضای مجازی را به عنوان سند یا بیان اراده شناسایی کرد (Ghanbari, 2014). شکوری مقدم نیز توضیح می‌دهد که کارکردگرایی حقوقی ایجاب می‌کند به جای وابستگی مطلق به کاغذ، بررسی شود که آیا وسیله الکترونیکی می‌تواند همان کارکرد اطلاع‌رسانی، انتساب و حفظ محتوا را تأمین کند (Shakouri Moghaddam, 2005).

امضای الکترونیکی نیز در همین چهارچوب قابل تحلیل است. امضای سنتی معمولاً سه کارکرد مهم دارد: شناسایی امضاکننده، نشان دادن قصد او برای پذیرش مفاد سند و ایجاد امکان انتساب سند به وی. در فضای الکترونیکی، این کارکردها باید با ابزارهای فنی مناسب تأمین شوند. نوری و نخجوانی بر این نکته تأکید دارند که اعتبار امضای الکترونیکی زمانی قابل دفاع است که روش مورد استفاده از قابلیت کافی برای شناسایی امضاکننده و نشان دادن تأیید او نسبت به داده برخوردار باشد (Nouri & Nakhjavani, 2011). بنابراین، اثر حقوقی امضای الکترونیکی از شکل فیزیکی آن ناشی نمی‌شود، بلکه از قابلیت اعتماد آن برای تحقق کارکردهای حقوقی امضا سرچشمه می‌گیرد.

اصل صحت نیز مبنای مهم دیگری برای تثبیت آثار قراردادهاست. در روابط مدنی، پس از وقوع ظاهری قرارداد، اصل بر صحت آن است مگر آنکه بطلان یا فساد به دلیل معتبر اثبات شود. امامی اصل صحت را از ابزارهای اساسی حفظ ثبات روابط حقوقی می‌داند که مانع بی‌اعتبار

شدن معاملات بر مبنای تردیدهای صرف می‌شود (Emami, 2019). در محیط الکترونیکی نیز استفاده از داده‌پیام نباید به خودی خود سبب تردید در صحت قرارداد شود. جهانی بر این نکته تأکید می‌کند که اصل عدم تبعیض نسبت به شکل الکترونیکی مستلزم آن است که صرف استفاده از فناوری مانع پذیرش اثر حقوقی توافق نشود (Jahani, 2017). البته اصل صحت نمی‌تواند جایگزین اثبات وجود اراده یا هویت طرفین شود و در مواردی که اساس انتساب پیام محل تردید است، باید قواعد مربوط به دلیل و احراز واقعیت اعمال شود.

اصل لزوم نیز پس از تحقق قرارداد صحیح نقش تعیین‌کننده‌ای در آثار آن دارد. قرارداد معتبر تنها بیان یک تفاهم اخلاقی نیست، بلکه رابطه‌ای حقوقی ایجاد می‌کند که طرفین باید به آن پایبند باشند. قاسم‌زاده الزام‌آوری را از مهم‌ترین آثار عقد صحیح می‌داند و معتقد است متعهد نمی‌تواند بدون سبب قانونی از اجرای تعهد خودداری کند (Ghasemzadeh, 2010). الکترونیکی بودن قرارداد نیز این اثر را تغییر نمی‌دهد. اگر خرید اینترنتی به طور صحیح منعقد شده باشد، فروشنده نمی‌تواند صرفاً به دلیل آنلاین بودن معامله از تسلیم کالا خودداری کند و خریدار نیز ملزم به پرداخت ثمن طبق شرایط قرارداد خواهد بود.

لوازم عرفی و قانونی قرارداد نیز در هر دو محیط اهمیت دارند. آثار قرارداد تنها محدود به عباراتی نیست که طرفین صریحاً ذکر کرده‌اند؛ قانون و عرف نیز می‌توانند تکالیفی را بر رابطه آنان تحمیل کنند. کاتوزیان توضیح می‌دهد که قرارداد علاوه بر تعهدات صریح، شامل نتایجی است که عرف و قانون به عنوان لوازم طبیعی آن می‌شناسند (Katouzian, 2020). در محیط الکترونیکی، عرف‌های نوین می‌توانند در تعیین مفاهیمی مانند زمان متعارف پاسخ، شیوه تأیید سفارش یا روش دسترسی به محتوای دیجیتال نقش داشته باشند. با این حال، عرف فنی نمی‌تواند قواعد آمره را کنار بزند و همواره باید در چهارچوب نظام حقوقی تفسیر شود.

در مجموع، مبانی حقوقی آثار قراردادهای الکترونیکی و مدنی دارای اشتراک گسترده است. قرارداد الکترونیکی همانند قرارداد سنتی بر اراده معتبر، اهلیت، موضوع مشروع و قواعد الزام‌آور قرارداد استوار است. تفاوت اصلی در مرحله عملی تحقق این مفاهیم نمایان می‌شود؛ یعنی جایی که اراده از طریق داده‌پیام ابراز می‌شود، هویت به روش‌های الکترونیکی احراز می‌گردد و زمان و مکان ارتباط به ویژگی‌های سیستم اطلاعاتی وابسته می‌شود. در نتیجه، محیط دیجیتال اصول بنیادین حقوق قراردادها را کنار نمی‌زند، بلکه حقوق را ناگزیر می‌کند این اصول را با ابزارها و وضعیت‌های فنی جدید تطبیق دهد.

آثار قرارداد نسبت به طرفین و اشخاص ثالث

مهم‌ترین اثر قرارداد صحیح ایجاد رابطه الزام‌آور میان طرفین است. هنگامی که قرارداد مطابق شرایط قانونی تشکیل می‌شود، هر یک از طرفین در برابر دیگری دارای حقوق و تکالیفی می‌گردد که اجرای آنها قابل مطالبه است. این اثر به اصل وفای به عهد و نیروی الزام‌آور قرارداد بازمی‌گردد. کاتوزیان معتقد است که احترام به قرارداد لازمه امنیت حقوقی و اقتصادی است، زیرا اگر اشخاص بتوانند آزادانه تعهد ایجاد کنند اما در اجرای آن اختیار مطلق داشته باشند، مفهوم قرارداد بخش عمده‌ای از کارکرد خود را از دست خواهد داد (Katouzian, 2020). امامی نیز عقد صحیح را برای متعاملین لازم‌الاتباع می‌داند و الزام ناشی از آن را یکی از آثار طبیعی توافق معتبر معرفی می‌کند (Emami, 2019). این قاعده درباره قراردادهای الکترونیکی نیز به همان قوت جاری است؛ بنابراین، استفاده از اینترنت، پست الکترونیکی یا سامانه خودکار موجب کاهش نیروی الزام‌آور عقد نمی‌شود.

در قراردادهای معوض، الزام‌آوری معمولاً به صورت تعهدات متقابل ظاهر می‌شود. در بیع، فروشنده متعهد به تسلیم مبیع و خریدار متعهد به پرداخت ثمن است. کاتوزیان در بررسی عقد بیع، انتقال مالکیت و ایجاد تعهدات متقابل فروشنده و خریدار را از آثار اساسی این عقد می‌داند

(Katouzian, 2019). طاهوری نیز تأکید می‌کند که شکل انعقاد عقد، اصل آثار متقابل ناشی از بیع را دگرگون نمی‌سازد (Tahouri, 2017). بنابراین، اگر بیع از طریق یک سامانه اینترنتی منعقد شود، تعهد فروشنده به تحویل کالا و تعهد خریدار به پرداخت قیمت در اساس همان ماهیت حقوقی را دارد که در بیع حضوری مشاهده می‌شود.

با این حال، نحوه اجرای تعهدات می‌تواند در فضای الکترونیکی متفاوت باشد. اگر موضوع معامله کالای فیزیکی باشد، قرارداد به صورت الکترونیکی منعقد می‌شود اما اجرای تعهد به تسلیم ممکن است همچنان به روش سنتی و از طریق ارسال کالا صورت گیرد. اگر موضوع معامله کالای دیجیتال یا خدمت الکترونیکی باشد، خود اجرای قرارداد نیز در فضای مجازی تحقق پیدا می‌کند. در این حالت، مفهوم تسلیم باید با قابلیت دسترسی واقعی خریدار به موضوع قرارداد تفسیر شود. برای نمونه، فراهم شدن لینک دانلود، فعال شدن حساب کاربری یا انتقال فایل ممکن است نقش تسلیم را ایفا کند. حقوق قراردادها باید در چنین مواردی به کارکرد اقتصادی تعهد توجه کند و نه صرفاً شکل سنتی انتقال مال.

نیروی الزام‌آور قرارداد شامل شروط صریح آن نیز می‌شود. طرفین می‌توانند در حدود قانون درباره زمان اجرا، مکان تحویل، کیفیت موضوع، ضمانت‌ها و سایر شرایط توافق کنند. قاسم‌زاده تأکید می‌کند که اصل حاکمیت اراده اجازه می‌دهد طرفین جزئیات تعهدات خود را مشخص سازند و دادرس نیز اصولاً باید به توافق معتبر آنان احترام بگذارد (Ghasemzadeh, 2010). در قراردادهای الکترونیکی، بخش قابل توجهی از این شروط در قالب شرایط عمومی استفاده یا شرایط فروش تنظیم می‌شود. مسئله مهم آن است که شروط مزبور باید به نحوی در اختیار طرف مقابل قرار گیرد که بتوان پذیرش او را نسبت به آنها احراز کرد. جهانی بیان می‌کند که اعتبار شروط الکترونیکی مستلزم امکان انتساب رضایت به طرف قرارداد است و صرف قرار گرفتن یک متن در بخشی دور از دسترس سامانه نمی‌تواند همواره برای اثبات توافق کافی باشد (Jahani, 2017).

آثار قرارداد تنها به مفاد صریح محدود نیست. عرف و قانون نیز ممکن است به قرارداد آثار تکمیلی بدهند. کاتوزیان معتقد است مفاد قرارداد مجموعه‌ای از آن چیزی است که طرفین گفته‌اند و آنچه قانون و عرف بر توافق آنان می‌افزاید (Katouzian, 2020). این قاعده در محیط الکترونیکی اهمیت مضاعفی پیدا می‌کند، زیرا بسیاری از رفتارهای فنی سامانه‌ها به مرور می‌تواند معنای عرفی پیدا کند. برای مثال، ارسال پیام «تأیید سفارش» در برخی سامانه‌ها ممکن است از نظر عرفی نشانه پذیرش معامله یا صرفاً تأیید دریافت درخواست باشد. تفسیر دقیق چنین پیام‌هایی باید با توجه به متن شرایط قرارداد، ساختار فرایند خرید و انتظار متعارف کاربران صورت گیرد.

یکی دیگر از آثار قرارداد، ایجاد حق مطالبه اجرای عین تعهد است. اصل بر آن است که متعهدله بتواند اجرای همان چیزی را که موضوع تعهد بوده مطالبه کند و تنها در صورت وجود مانع قانونی یا عملی به ضمانت اجراهای دیگر روی آورد. امیری قائم‌مقامی در حقوق تعهدات بر تقدم اجرای تعهد بر جبران جایگزین تأکید می‌کند (Amiri Ghaem Maghami, 2008). در قرارداد الکترونیکی نیز خریدار می‌تواند تحویل کالای سفارش‌داده‌شده یا دسترسی به خدمت خریداری‌شده را مطالبه کند. اگر فروشنده از انجام تعهد خودداری کند، الکترونیکی بودن شیوه انعقاد قرارداد موجب نمی‌شود متعهدله از ضمانت اجراهای قراردادی محروم گردد.

در کنار اجرای عین تعهد، مسئولیت ناشی از نقض قرارداد نیز از آثار رابطه قراردادی است. اگر متعهد بدون عذر موجه از اجرای تعهد خودداری کند یا آن را ناقص انجام دهد، ممکن است مسئول جبران خسارت شود. صفایی میان مسئولیت قراردادی و الزامات خارج از قرارداد تمایز قائل می‌شود و مبنای مسئولیت قراردادی را وجود تعهد پیشین و نقض آن می‌داند (Safaei, 2013). در فضای دیجیتال نیز نقض

قرارداد می‌تواند اشکال گوناگونی داشته باشد؛ از عدم ارسال کالا و ارائه فایل معیوب گرفته تا قطع غیرموجه دسترسی به خدمت الکترونیکی. ملاک اصلی آن است که آیا تعهد معتبر قراردادی وجود داشته و آیا متعهد آن را برخلاف مفاد توافق یا الزامات قانونی نقض کرده است.

اصل نسبی بودن قراردادها، قلمرو شخصی این آثار را مشخص می‌کند. قرارداد اصولاً میان طرفین و قائم‌مقام‌های آنان اثر دارد و نمی‌توان شخص ثالث را بدون رضایت یا حکم قانون ملزم به اجرای تعهدی کرد که در ایجاد آن دخالت نداشته است. کاتوزیان این اصل را نتیجه منطقی حاکمیت اراده می‌داند (Katouzian, 2020). امامی نیز آثار قرارداد را اصولاً محدود به متعاملین و اشخاصی می‌داند که به عنوان قائم‌مقام حقوقی آنان شناخته می‌شوند (Emami, 2019). بنابراین، همان‌گونه که قرارداد حضوری نمی‌تواند بی‌دلیل برای شخص ثالث تعهد ایجاد کند، قرارداد الکترونیکی نیز از این قاعده خارج نیست.

مفهوم طرف قرارداد در محیط الکترونیکی با وجود واسطه‌های متعدد ممکن است پیچیده شود. یک فروش اینترنتی ممکن است در بستر یک پلتفرم انجام شود، پرداخت از طریق درگاه شخص ثالث صورت گیرد و تحویل کالا نیز به شرکت حمل‌ونقل سپرده شود. در چنین وضعیتی باید مشخص شود کدام یک از این اشخاص طرف قرارداد اصلی است و کدام‌یک صرفاً نقش واسطه یا مجری تعهد را دارد. مقدم و همکاران نشان می‌دهند که تعیین دقیق هویت متعاملین در بیع الکترونیکی برای شناسایی حقوق و تکالیف ناشی از قرارداد ضرورت اساسی دارد (Moghaddam et al., 2017). صرف حضور فنی یک پلتفرم در فرایند معامله نمی‌تواند همیشه به معنای طرف بودن آن در قرارداد فروش باشد و این موضوع باید بر اساس شرایط استفاده، نحوه معرفی فروشنده و ساختار رابطه بررسی شود.

قائم‌مقام نیز در قلمرو آثار قرارداد جایگاه ویژه دارد. برخی آثار مالی قرارداد ممکن است به وراث یا منتقل‌الیهم طرفین سرایت کند، زیرا این اشخاص در چهارچوب قواعد جانشینی حقوقی در موقعیت قراردادی قرار می‌گیرند. جفری لنگرودی در تحلیل تعهدات و قراردادها، قائم‌مقام را شخصی می‌داند که به موجب انتقال قانونی یا قراردادی در بخشی از حقوق و تعهدات دیگری جانشین او می‌شود (Jafari Langroudi, 2009). الکترونیکی بودن قرارداد در این قاعده تغییر اساسی ایجاد نمی‌کند، هرچند دسترسی قائم‌مقام به حساب‌های کاربری، داده‌های قراردادی یا دارایی‌های دیجیتال ممکن است مسائل فنی جدیدی ایجاد کند.

اشخاص ثالث، در مقابل، اصولاً از آثار الزام‌آور قرارداد بیرون هستند. طرفین نمی‌توانند صرف توافق میان خود، شخص دیگری را بدهکار یا مکلف کنند. شهیدی در بررسی آثار قرارداد بر این امر تأکید دارد که تعهد برای ثالث بدون وجود مبنای قانونی با اصل استقلال اراده او ناسازگار است (Shahidi, 2010). با این حال، قرارداد می‌تواند در مواردی به سود ثالث حقی ایجاد کند. تعهد به نفع شخص ثالث یکی از مهم‌ترین استثناهای شناخته‌شده بر اصل نسبی بودن است. در چنین حالتی، طرفین قرارداد تعهدی ایجاد می‌کنند که اجرای آن به سود شخصی خارج از قرارداد صورت می‌گیرد. این وضعیت نشان می‌دهد که اصل نسبی بودن مطلق نیست، اما استثناها نیز نیازمند مبنای قانونی یا قراردادی روشن هستند.

در فضای الکترونیکی، تعهد به نفع ثالث می‌تواند به اشکال متنوعی تحقق یابد. شخصی ممکن است خدمت دیجیتالی را خریداری کند تا به حساب کاربری فرد دیگری منتقل شود، یا کالایی را به عنوان هدیه سفارش دهد و تحویل آن را برای شخص ثالث مقرر کند. ماهیت الکترونیکی وسیله انعقاد، اصل تحلیل حقوقی را تغییر نمی‌دهد. باید بررسی شود که آیا قرارداد برای ثالث حق مستقلی ایجاد کرده یا صرفاً نحوه اجرای تعهد را به گونه‌ای تنظیم کرده است که نتیجه اقتصادی آن به شخص دیگری می‌رسد.

اصل صحت نیز آثار مهمی در روابط میان طرفین دارد. پس از آنکه ظاهر امر بر وقوع قرارداد دلالت کند، تردید صرف در برخی جزئیات نباید موجب بی‌اعتباری رابطه شود. امامی اصل صحت را ابزاری برای حفظ اعتماد و ثبات معاملات می‌داند (Emami, 2019). در محیط الکترونیکی، این اصل اهمیت زیادی دارد، زیرا اگر هر قرارداد آنلاین صرفاً به علت امکان خطا یا احتمال دسترسی غیرمجاز قابل تردید تلقی شود، امنیت معاملات دیجیتال از میان خواهد رفت. با این حال، اصل صحت نمی‌تواند ایرادهای واقعی مانند جعل، فقدان قصد یا عدم اهلیت را نادیده بگیرد.

قابلیت اثبات نیز اگرچه از نظر نظری اثر ماهوی قرارداد نیست، در عمل بر امکان بهره‌مندی از آثار آن تأثیر مستقیم دارد. قرارداد مدنی سنتی ممکن است با سند، شهادت یا سایر ادله اثبات شود. در فضای الکترونیکی، داده‌پیام، سوابق سامانه، امضای دیجیتال و اطلاعات ثبت‌شده در سرورها نقش مهمی پیدا می‌کنند. محسنی مقدم در بررسی اسناد تجاری الکترونیکی بر اهمیت قابلیت اعتماد و تمامیت داده برای ارزش اثباتی آن تأکید می‌کند (Mohseni Moghaddam, 2010). قنبری نیز معتقد است که پذیرش داده‌پیام به عنوان دلیل، مکمل ضروری پذیرش ماهوی قراردادهای الکترونیکی است (Ghanbari, 2014). قراردادی که از نظر ماهوی معتبر است اما امکان اثبات آن در دادگاه وجود ندارد، در عمل با دشواری جدی در اجرای آثار خود مواجه خواهد شد.

اصل حسن نیت و رفتار منصفانه نیز در تفسیر و اجرای قرارداد اهمیت دارد، هرچند دامنه و مبنای آن در نظام‌های حقوقی متفاوت است. در قراردادهای الکترونیکی که غالباً یکی از طرفین شرایط از پیش تنظیم‌شده را ارائه می‌کند، ضرورت شفافیت و پرهیز از پنهان کردن شروط نامتعارف برجسته‌تر می‌شود. چیسمن در تحلیل حقوق تجارت و تجارت الکترونیکی نشان می‌دهد که توسعه قراردادهای استاندارد آنلاین ضرورت توجه بیشتر به اطلاع‌رسانی روشن و رضایت واقعی کاربران را ایجاد کرده است (Cheeseman, 2003). دابسون نیز در بحث قراردادهای تجاری بر اهمیت قابلیت آگاهی طرف از شروطی که قرار است علیه او مورد استناد قرار گیرد تأکید می‌کند (Dobson, 2003). این ملاحظات با اصول عمومی رضایت قراردادی در حقوق ایران نیز قابل تطبیق است.

از جهت آثار زمانی نیز قرارداد الکترونیکی ممکن است مسائل خاصی ایجاد کند. لحظه دقیق انعقاد می‌تواند زمان شروع تعهدات، امکان رجوع، محاسبه مواعد و تعیین مسئولیت را مشخص سازد. قربانوند توضیح می‌دهد که تعیین زمان دریافت پیام در محیط الکترونیکی باید با توجه به ورود آن به سیستم اطلاعاتی قابل دسترس مخاطب تحلیل شود (Ghorbanvand, 2010). بنابراین، برخلاف برخی روابط حضوری که ایجاب و قبول تقریباً هم‌زمان مبادله می‌شوند، در محیط الکترونیکی ممکن است چند مرحله فنی میان ارسال و دریافت وجود داشته باشد.

در نهایت، مقایسه آثار قرارداد نسبت به طرفین و اشخاص ثالث نشان می‌دهد که اصول بنیادین در هر دو نوع قرارداد مشترک است: الزام‌آوری، اجرای تعهد، مسئولیت ناشی از نقض، نسبی بودن و امکان ایجاد حق برای ثالث در موارد استثنایی. تفاوت اصلی در سازوکار تشخیص و اجرای این آثار است. محیط الکترونیکی به دلیل عدم حضور فیزیکی، دخالت واسطه‌ها، استفاده از سامانه‌های خودکار و وابستگی به داده‌پیام، پرسش‌های بیشتری درباره هویت طرفین، زمان ایجاد تعهد و ارزش اثباتی مدارک ایجاد می‌کند؛ اما پاسخ به این پرسش‌ها همچنان باید در چهارچوب منطق عمومی حقوق قراردادها جست‌وجو شود.

بررسی تطبیقی حقوق و تعهدات ناشی از قراردادهای الکترونیکی و مدنی

بررسی تطبیقی حقوق و تعهدات ناشی از قراردادهای الکترونیکی و مدنی نشان می‌دهد که مهم‌ترین تفاوت میان آنها نه در اصل ایجاد تعهد، بلکه در شیوه اعلام، اثبات و اجرای آن است. قرارداد مدنی سنتی معمولاً در فضایی شکل می‌گیرد که طرفین امکان شناسایی مستقیم یکدیگر

را دارند و مفاد قرارداد از طریق گفت‌وگو، نوشته یا رفتار قابل مشاهده تعیین می‌شود. در قرارداد الکترونیکی، این فرآیند به شبکه‌های ارتباطی و سیستم‌های اطلاعاتی منتقل می‌شود و در نتیجه، همان مفاهیم حقوقی باید در قالب جدیدی تفسیر شوند. مگامینیا قرارداد الکترونیکی را قراردادی می‌داند که ویژگی اصلی آن استفاده از وسایل الکترونیکی در فرآیند تشکیل است و این ویژگی به خودی خود قواعد بنیادین قرارداد را دگرگون نمی‌کند (Moghaminia, 2012). جهانی نیز تأکید می‌کند که اصول حاکم بر قراردادهای سنتی، تا جایی که با ویژگی‌های فنی محیط دیجیتال تعارض نداشته باشند، در قراردادهای الکترونیکی قابل اعمال هستند (Jahani, 2017).

نخستین حق هر یک از طرفین، امکان مطالبه اجرای تعهد طرف مقابل مطابق قرارداد است. در بیع سنتی، خریدار حق دارد تسلیم مبیع را مطالبه کند و فروشنده نیز مستحق دریافت ثمن است. کاتوزیان آثار اصلی بیع را در انتقال مالکیت و ایجاد تعهدات مربوط به تسلیم و پرداخت می‌بیند (Katouzian, 2019). در بیع الکترونیکی نیز این ساختار حفظ می‌شود. مقدم و همکاران نشان می‌دهند که حقوق و تکالیف اساسی خریدار و فروشنده در بیع الکترونیکی بر همان بنیان‌های حقوقی بیع سنتی استوار است (Moghaddam et al., 2017). بنابراین، خرید کالا از طریق وب‌سایت به فروشنده اجازه نمی‌دهد از مسئولیت تسلیم کالای مورد توافق شانه خالی کند و خریدار نیز نمی‌تواند با استناد به غیرحضوری بودن معامله از پرداخت ثمن خودداری کند.

تفاوت مهم در نحوه تسلیم ظاهر می‌شود. در قراردادهای مدنی مربوط به اموال مادی، تسلیم به گونه‌ای انجام می‌شود که خریدار امکان تصرف در مال را پیدا کند. در قراردادهای الکترونیکی مربوط به کالاهای فیزیکی، همین قاعده جاری است و الکترونیکی بودن تنها به مرحله انعقاد مربوط می‌شود. اما اگر موضوع قرارداد خود دیجیتال باشد، مفهوم تسلیم باید متناسب با ماهیت آن تفسیر شود. ارائه فایل قابل استفاده، فراهم کردن دسترسی به نرم‌افزار یا فعال کردن حساب کاربری می‌تواند مصداق اجرای تعهد باشد. در چنین مواردی، معیار اساسی آن است که متعهدله واقعاً بتواند از موضوع قرارداد مطابق هدف مورد توافق بهره‌مند شود.

پرداخت ثمن نیز در محیط الکترونیکی شکل متفاوتی پیدا می‌کند. پرداخت ممکن است از طریق درگاه بانکی، کیف پول دیجیتال یا انتقال الکترونیکی وجه صورت گیرد. این امر سبب دخالت اشخاصی مانند بانک یا ارائه‌دهنده خدمات پرداخت می‌شود، اما اصل تعهد خریدار به پرداخت را تغییر نمی‌دهد. ماهیت حقوقی عملیات پرداخت باید از قرارداد اصلی تفکیک شود؛ زیرا اختلال در سیستم پرداخت ممکن است این پرسش را ایجاد کند که آیا تعهد خریدار اجرا شده است یا خیر. پاسخ باید بر اساس زمان انتقال معتبر وجه، شرایط قرارداد و قواعد حاکم بر وسیله پرداخت تعیین شود.

یکی از تعهدات برجسته در محیط الکترونیکی، تعهد به ارائه اطلاعات روشن و کافی است. در قرارداد حضوری، خریدار ممکن است کالا را مستقیماً مشاهده کند و از فروشنده توضیح بخواهد. در خرید آنلاین، تصمیم او غالباً بر اساس اطلاعات ارائه‌شده در صفحه محصول اتخاذ می‌شود. بنابراین، دقت توضیحات، قیمت، ویژگی‌های کالا و شرایط تحویل اهمیت بیشتری دارد. مقدم و همکاران تکالیف اطلاعاتی را از عناصر مهم حمایت از طرف قرارداد در بیع الکترونیکی می‌دانند (Moghaddam et al., 2017). اگر اطلاعات گمراه‌کننده یا ناقص باشند، ممکن است رضایت طرف تحت تأثیر قرار گیرد یا مسئولیت قراردادی برای ارائه‌دهنده اطلاعات ایجاد شود.

تعهد به حفظ امنیت ارتباطات نیز از ویژگی‌های خاص محیط دیجیتال است. در قرارداد سنتی، خطرهای مرتبط با سرقت اطلاعات بانکی یا مداخله غیرمجاز در حساب کاربری به شکل کنونی وجود ندارد. تجارت الکترونیکی متکی به زیرساخت‌های فنی است و ضعف امنیتی می‌تواند موجب ورود خسارت به طرفین شود. باباگلی و خانلرزاده ضعف زیرساخت‌ها و مسائل مربوط به اعتماد و امنیت را از موانع توسعه

تجارت الکترونیکی در ایران معرفی کرده‌اند (Babagoli & Khanlarzadeh, 2010). غنبری نیز امنیت تبادل داده را یکی از عناصر ضروری اعتماد حقوقی به معاملات الکترونیکی می‌داند (Ghanbari, 2014). از این رو، حسب نقش و تعهدات هر یک از اشخاص، ممکن است تکلیف به استفاده از روش‌های متعارف امنیتی بخشی از لوازم اجرای صحیح قرارداد تلقی شود.

احراز هویت طرفین نیز تفاوت مهمی میان دو محیط است. در قرارداد حضوری، مشاهده اسناد شناسایی و حضور شخص می‌تواند اطمینان نسبی ایجاد کند. در قرارداد الکترونیکی، نام کاربری، رمز عبور، شماره تلفن، گواهی دیجیتال یا امضای الکترونیکی جایگزین نشانه‌های سنتی می‌شوند. اکبرینه و محمودزاده نشان می‌دهند که انتساب اراده به شخص در فضای مجازی یکی از مسائل کلیدی تشکیل معامله است (Akbarineh & Mahmoudzadeh, 2016). اگر شخص ثالث بدون اجازه وارد حساب کاربری شود و قراردادی منعقد کند، صرف ثبت فنی عملیات نمی‌تواند همیشه برای انتساب حقوقی آن به صاحب حساب کافی باشد. باید بررسی شود که شیوه احراز هویت تا چه حد قابل اعتماد بوده و آیا رفتار صاحب حساب در ایجاد ظاهر قابل اعتماد نقش داشته است.

در این ارتباط، امضای الکترونیکی جایگاه مهمی دارد. امضا در قرارداد سنتی علاوه بر شناسایی شخص، نشانه پذیرش مفاد سند است. در محیط دیجیتال، امضای الکترونیکی باید بتواند کارکرد مشابهی را ایفا کند. نوری و نخجوانی اعتبار امضای الکترونیکی را به قابلیت شناسایی امضاکننده و ارتباط آن با داده مورد تأیید وابسته می‌دانند (Nouri & Nakhjavani, 2011). شکوری مقدم نیز بر اصل هم‌ارزی عملکردی تأکید دارد و معتقد است حقوق نباید صرفاً به علت تفاوت شکل فنی، از شناسایی وسیله‌ای که کارکرد حقوقی امضا را انجام می‌دهد خودداری کند (Shakouri Moghaddam, 2005).

یکی دیگر از تفاوت‌های مهم، نقش سیستم‌های خودکار در انعقاد قرارداد است. در برخی معاملات الکترونیکی، رایانه بدون دخالت مستقیم انسان در هر معامله، سفارش را دریافت، پردازش و تأیید می‌کند. این وضعیت ممکن است در نگاه نخست با نظریه سنتی اراده تعارض‌آمیز به نظر برسد؛ زیرا در لحظه انعقاد، شخص انسانی مستقیماً اعلام اراده نمی‌کند. با این حال، می‌توان اراده را به تصمیم قبلی شخص برای تنظیم و استفاده از سامانه نسبت داد. چیسمن در بحث قراردادهای تجارت الکترونیکی نشان می‌دهد که سیستم‌های خودکار می‌توانند ابزار اجرای اراده از پیش برنامه‌ریزی‌شده اشخاص باشند (Cheeseman, 2003). بنابراین، عملکرد خودکار سامانه لزوماً مانع انعقاد قرارداد نیست، مگر آنکه خطا یا خروج از حدود اختیار برنامه‌ریزی‌شده رخ داده باشد.

اشتباه در قراردادهای الکترونیکی نیز ممکن است صورت‌های ویژه‌ای پیدا کند. کاربر ممکن است به اشتباه تعداد کالا را وارد کند، گزینه نامناسبی را انتخاب کند یا بر اثر نقص سامانه سفارش نادرستی ثبت شود. در قراردادهای سنتی نیز اشتباه می‌تواند بر اعتبار رضایت تأثیر بگذارد و قواعد عمومی در این زمینه قابل اعمال است. شهیدی اشتباه مؤثر را در مواردی که به عنصر اساسی توافق مربوط باشد دارای آثار حقوقی می‌داند (Shahidi, 2001). تفاوت محیط الکترونیکی در آن است که سامانه می‌تواند با طراحی مناسب امکان بررسی و اصلاح سفارش را پیش از ثبت نهایی فراهم کند و از این طریق احتمال اختلاف را کاهش دهد.

شروط ضمن عقد نیز در هر دو نوع قرارداد نقش مهمی در تعیین آثار رابطه دارند. طرفین می‌توانند شرط فعل، شرط صفت یا شرط نتیجه را در چهارچوب مقررات قانونی در قرارداد بگنجانند. کاتوزیان شروط قراردادی را بخشی از قلمرو حاکمیت اراده می‌داند، مشروط بر آنکه با قوانین آمره و ماهیت عقد تعارض نداشته باشند (Katouzian, 2020). در قرارداد الکترونیکی نیز همین قواعد جاری است. تفاوت در نحوه

ارائه و پذیرش شروط است. شروط ممکن است در صفحات جداگانه، پیوندهای اینترنتی یا متن شرایط استفاده درج شوند و کاربر با کلیک بر گزینه پذیرش آنها را قبول کند.

اعتبار این شروط زمانی قابل دفاع است که طرف مقابل فرصت متعارفی برای دسترسی و آگاهی از آنها داشته باشد. دابسون در بررسی حقوق قراردادهای تجاری تأکید می‌کند که شروطی که طرف از وجود آنها آگاه نبوده و به شکل معقول نیز در معرض اطلاع او قرار نگرفته‌اند، ممکن است با مشکل قابلیت استناد مواجه شوند (Dobson, 2003). در معاملات اینترنتی، این موضوع به طراحی رابط کاربری نیز مرتبط است. اگر شرط مهمی در صفحه‌ای مخفی قرار داشته باشد که کاربر عرفاً به آن دسترسی پیدا نمی‌کند، صرف وجود فنی آن در وب‌سایت لزوماً به معنای توافق واقعی نیست.

شروط باطل و مبطل نیز در محیط الکترونیکی همان معیارهای عمومی را دارند. استفاده از فناوری نمی‌تواند شرط نامشروع یا خلاف مقتضای ذات عقد را معتبر سازد. قاسم‌زاده قواعد مربوط به شروط باطل را بخشی از محدودیت‌های قانونی آزادی قراردادی می‌داند (Ghasemzadeh, 2010). بنابراین، اگر در قرارداد الکترونیکی شرطی درج شود که اجرای آن غیرممکن، نامشروع یا فاقد منفعت عقلایی باشد، قواعد عمومی مربوط به اعتبار شرط اعمال خواهد شد. همین قاعده درباره شروطی که موجب جهل اساسی به عوضین یا تعارض با مقتضای عقد می‌شوند نیز برقرار است.

یکی دیگر از آثار مهم، حق استناد به قرارداد و ادله مرتبط با آن است. در قراردادهای سنتی، سند کاغذی معمولاً مهم‌ترین ابزار اثبات است. در قرارداد الکترونیکی، سوابق ثبت‌شده در سامانه، ایمیل‌ها، رسیدهای دیجیتال و داده‌های پرداخت نقش مشابهی دارند. محسنی مقدم در بررسی اسناد الکترونیکی بر ضرورت احراز اصالت و تمامیت داده تأکید می‌کند (Mohseni Moghaddam, 2010). غنبری نیز ارزش اثباتی داده‌پیام را وابسته به قابلیت اعتماد روش تولید، نگهداری و ارائه آن می‌داند (Ghanbari, 2014). بنابراین، اثر عملی قرارداد الکترونیکی تا حد زیادی به امکان حفظ سوابق و ارائه آنها در صورت بروز اختلاف وابسته است.

از جهت زمان و مکان اجرای تعهد نیز تفاوت‌هایی وجود دارد. در قرارداد سنتی، محل تسلیم یا پرداخت غالباً قابل شناسایی است، اما در خدمات دیجیتال ممکن است اجرای تعهد به صورت هم‌زمان در چند محیط فنی رخ دهد. قربانوند نشان می‌دهد که تعیین مکان حقوقی یک عملیات الکترونیکی نباید صرفاً بر محل فیزیکی سرور مبتنی باشد، بلکه اقامتگاه یا محل تجاری طرفین و معیارهای قانونی نیز باید مورد توجه قرار گیرد (Ghorbanvand, 2010). این مسئله به‌ویژه در قراردادهای فرامرزی برای تعیین دادگاه صالح و قانون حاکم اهمیت دارد. کویار و مافی نیز در بحث حقوق بین‌الملل خصوصی بر ضرورت استفاده از ضوابط ارتباطی روشن برای تعیین قانون حاکم بر روابط فرامرزی تأکید می‌کنند (Kaviar & Mafi, 2013).

مقایسه دو نوع قرارداد همچنین نشان می‌دهد که اصل حاکمیت اراده در محیط الکترونیکی با چالش قراردادهای الحاقی مواجه است. بسیاری از کاربران امکان مذاکره درباره شرایط استفاده از پلتفرم یا فروشگاه اینترنتی را ندارند و تنها می‌توانند همه شروط را بپذیرند یا از معامله صرف نظر کنند. این وضعیت در قراردادهای سنتی نیز وجود دارد، اما مقیاس و فراوانی آن در فضای آنلاین بیشتر است. حقوق قراردادها باید میان احترام به آزادی قراردادی و جلوگیری از سوءاستفاده از برتری تنظیم‌کننده شروط تعادل برقرار کند. کاتوزیان محدودیت‌های نظم عمومی و قواعد آمره را ابزار اصلاح نتایج نامتعادل آزادی قراردادی می‌داند (Katouzian, 2000).

حقوق و تعهدات ناشی از قرارداد همچنین می‌تواند تحت تأثیر عرف تجاری قرار گیرد. در تجارت الکترونیکی، سرعت ارتباط و پردازش اطلاعات انتظارات جدیدی ایجاد کرده است. زمانی که سامانه وعده تحویل فوری محتوای دیجیتال می‌دهد، تأخیر چندروزه ممکن است برخلاف انتظار متعارف باشد، در حالی که همین زمان در تحویل کالای فیزیکی ممکن است طبیعی تلقی شود. عرف الکترونیکی باید با احتیاط شناسایی شود و نمی‌توان هر رویه فنی رایج را به طور خودکار عرف حقوقی دانست، اما در تفسیر مفاد مبهم قرارداد می‌تواند نقش مهمی ایفا کند.

در قراردادهای الکترونیکی، حفاظت از اعتماد نیز اهمیت ویژه‌ای دارد. خریدار غالباً تصمیم خود را بر مبنای اطلاعاتی اتخاذ می‌کند که طرف مقابل یا سامانه در اختیار او گذاشته است. اگر اطلاعات اساسی پس از انعقاد تغییر داده شود یا دسترسی به نسخه اولیه شرایط وجود نداشته باشد، امکان اثبات مفاد واقعی قرارداد دشوار می‌شود. فناوری در عین ایجاد این خطر، ابزار مقابله با آن را نیز فراهم می‌کند؛ ثبت زمان، ذخیره نسخه قرارداد و استفاده از امضاهای دیجیتال می‌تواند اطمینان بیشتری نسبت به اسناد سنتی ایجاد کند. فیض چکاب در مباحث حقوقی تجارت الکترونیکی به ظرفیت فناوری برای افزایش قابلیت ثبت و ردیابی معاملات اشاره می‌کند (Feyz Chekap, 2003).

از حیث مسئولیت، تفاوت اساسی میان نقض قرارداد الکترونیکی و سنتی وجود ندارد. اگر فروشنده کالای معیوب تحویل دهد یا ارائه‌دهنده خدمت از اجرای تعهد خودداری کند، مسئولیت او باید بر اساس مفاد قرارداد و قواعد عمومی تعیین شود. صفایی مسئولیت قراردادی را نتیجه تخلف از تعهدی می‌داند که پیش از ورود خسارت میان طرفین وجود داشته است (Safaei, 2013). در محیط الکترونیکی تنها تشخیص منشأ تخلف ممکن است دشوارتر باشد، زیرا نقص می‌تواند از عملکرد فروشنده، سامانه، درگاه پرداخت یا عامل فنی دیگری ناشی شده باشد. تفکیک این روابط برای تعیین مسئول واقعی ضرورت دارد.

همچنین، قرارداد الکترونیکی ممکن است با استفاده از واسطه‌های متعدد اجرا شود. شرکت پستی، درگاه پرداخت و پلتفرم هر یک ممکن است رابطه قراردادی مستقلی با یکی از طرفین داشته باشند. اصل نسبی بودن اقتضا می‌کند مسئولیت هر شخص بر اساس رابطه حقوقی مربوط به خود او تعیین شود. نمی‌توان صرفاً به دلیل حضور چند بازیگر در زنجیره دیجیتال همه آنان را طرف یک قرارداد واحد دانست. این تفکیک یکی از تفاوت‌های عملی مهم میان معامله ساده حضوری و اکوسیستم پیچیده تجارت الکترونیکی است.

در مجموع، مقایسه حقوق و تعهدات دو نوع قرارداد نشان می‌دهد که ساختار حقوقی اصلی تقریباً مشترک است. تعهد به اجرا، حق مطالبه، مسئولیت ناشی از نقض، اعتبار شروط و اصل نسبی بودن در هر دو محیط وجود دارد. تفاوت‌ها در لایه اجرایی آشکار می‌شوند: داده‌پیام جای نوشته سنتی را می‌گیرد، امضای الکترونیکی نقش ابزار انتساب را ایفا می‌کند، اجرای تعهد ممکن است دیجیتال شود، واسطه‌های فنی وارد رابطه می‌شوند و احراز زمان، مکان و هویت پیچیده‌تر می‌گردد. بنابراین، قرارداد الکترونیکی نه نفی‌کننده حقوق مدنی، بلکه عرصه‌ای تازه برای اعمال و بازتفسیر قواعد عمومی قراردادهاست.

نتیجه‌گیری

بررسی تطبیقی آثار قراردادهای الکترونیکی و قراردادهای مدنی نشان می‌دهد که الکترونیکی شدن قرارداد بیش از آنکه ماهیت و آثار بنیادین آن را دگرگون کند، شیوه تشکیل، ابراز اراده، اثبات و اجرای رابطه قراردادی را تغییر داده است. قرارداد الکترونیکی همچنان بر همان عناصر اصلی قرارداد مدنی استوار است: وجود اراده معتبر، توافق طرفین، اهلیت، موضوع معین و مشروع و رعایت محدودیت‌های قانونی. از این رو،

نمی‌توان قراردادهای الکترونیکی را نظامی مستقل و گسسته از قواعد عمومی قراردادها تلقی کرد. آنها در اصل همان روابط قراردادی شناخته‌شده را با استفاده از ابزارهای ارتباطی نوین تحقق می‌بخشند.

نیروی الزام‌آور قرارداد، یکی از مهم‌ترین نقاط اشتراک دو حوزه است. هرگاه قرارداد به صورت صحیح ایجاد شود، طرفین ملزم به اجرای تعهدات ناشی از آن هستند و تفاوتی ندارد که توافق در حضور فیزیکی، از طریق سند کاغذی، پست الکترونیکی، سامانه فروش اینترنتی یا سایر وسایل الکترونیکی شکل گرفته باشد. فروشنده باید موضوع قرارداد را مطابق توافق تحویل دهد و خریدار نیز باید ثمن یا عوض مقرر را پرداخت کند. نقض این تعهدات در هر دو محیط می‌تواند ضمانت اجراهای قراردادی را به دنبال داشته باشد.

اصل حاکمیت اراده نیز در قراردادهای الکترونیکی همچنان نقش بنیادین خود را حفظ می‌کند. اشخاص می‌توانند در محدوده قواعد آمره درباره موضوع، شرایط، نحوه اجرا و سایر آثار قرارداد تصمیم بگیرند. با این حال، محیط دیجیتال موجب شده است مفهوم رضایت نیازمند توجه بیشتری باشد. در قراردادهای اینترنتی، شرایط معامله معمولاً از پیش تنظیم شده‌اند و کاربر اغلب امکان مذاکره ندارد. از این رو، باید میان پذیرش واقعی شروط و صرف انجام یک اقدام فنی تمایز قائل شد. ارائه روشن شروط، فراهم کردن امکان دسترسی به آنها و ایجاد فرصت متعارف برای آگاهی طرف مقابل می‌تواند نقش مهمی در اعتبار و قابلیت استناد این شروط داشته باشد.

اصل نسبی بودن قرارداد نیز در محیط الکترونیکی تغییر ماهوی پیدا نکرده است. قرارداد اصولاً میان طرفین و قائم‌مقام‌های آنان اثر الزام‌آور دارد و نمی‌توان صرفاً از طریق توافق دو شخص برای ثالث تعهد ایجاد کرد. با این حال، ساختار تجارت الکترونیکی سبب شده است تشخیص طرف قرارداد در برخی موارد پیچیده شود. پلتفرم‌ها، درگاه‌های پرداخت، شرکت‌های حمل‌ونقل و ارائه‌دهندگان خدمات فنی ممکن است در فرایند انعقاد یا اجرای معامله حضور داشته باشند، اما حضور آنان لزوماً به معنای طرف بودن در قرارداد اصلی نیست. تعیین موقعیت حقوقی هر شخص باید بر اساس نقش واقعی، توافق‌های موجود و ساختار رابطه انجام شود.

یکی از مهم‌ترین تفاوت‌ها میان قراردادهای الکترونیکی و مدنی سنتی در نحوه ابراز و انتساب اراده دیده می‌شود. در قراردادهای سنتی، امضا، حضور فیزیکی و سند کاغذی ابزارهای شناخته‌شده اثبات اراده هستند، در حالی که قراردادهای الکترونیکی بر داده‌پیام، امضای الکترونیکی، حساب کاربری و سایر روش‌های احراز هویت متکی‌اند. بنابراین، چالش اصلی آن نیست که آیا اراده در فضای مجازی می‌تواند اثر حقوقی داشته باشد، بلکه مسئله تعیین معیارهای اطمینان از انتساب آن به شخص معین است. هر اندازه روش فنی مورد استفاده از قابلیت بیشتری برای شناسایی شخص، حفظ تمامیت اطلاعات و جلوگیری از دست‌کاری برخوردار باشد، اعتماد حقوقی به رابطه نیز افزایش می‌یابد.

داده‌پیام از این منظر نقشی اساسی در قراردادهای الکترونیکی دارد. اگر نظام حقوقی فقط نوشته کاغذی را واجد اعتبار بداند، بخش بزرگی از روابط اقتصادی جدید عملاً با خلأ حقوقی روبه‌رو خواهد شد. پذیرش داده‌پیام به عنوان وسیله بیان اراده و دلیل اثباتی، امکان تطبیق حقوق قراردادهای سنتی با فضای دیجیتال را فراهم می‌کند. با این حال، اعتبار داده‌پیام نباید به معنای پذیرش بدون بررسی هر اطلاعات الکترونیکی باشد. قابلیت اعتماد روش ایجاد، ارسال، نگهداری و بازیابی داده باید در ارزیابی ارزش حقوقی آن مورد توجه قرار گیرد.

امضای الکترونیکی نیز باید بر اساس کارکرد آن ارزیابی شود. آنچه در امضای دستی اهمیت دارد شکل فیزیکی خطوط روی کاغذ نیست، بلکه توانایی آن در انتساب سند به امضاکننده و نمایش تأیید اوست. هر روش الکترونیکی که بتواند این اهداف را با سطح مناسبی از اطمینان تحقق بخشد، می‌تواند نقش مشابهی در روابط قراردادی ایفا کند. بنابراین، رویکرد مناسب آن است که حقوق به جای وابستگی به شکل خاص، بر کارکرد حقوقی ابزار تمرکز کند.

زمان و مکان انعقاد نیز از حوزه‌هایی است که تفاوت محیط الکترونیکی را آشکار می‌سازد. در قراردادهای حضوری، تعیین لحظه و محل توافق معمولاً ساده‌تر است، اما در ارتباطات دیجیتال ممکن است میان ارسال، ورود پیام به سیستم مخاطب و آگاهی واقعی او فاصله وجود داشته باشد. تعیین معیار روشن برای زمان دریافت داده‌پیام از آن جهت اهمیت دارد که بسیاری از آثار قرارداد، از جمله شروع تعهدات، امکان رجوع، مواعد قراردادی و حتی تشخیص قانون حاکم، به آن وابسته است. در روابط فرامرزی، تعیین مکان نیز باید به گونه‌ای صورت گیرد که وابستگی اتفاقی به محل فیزیکی تجهیزات و سرورها موجب نتایج غیرمنطقی نشود.

اجرای تعهدات نیز در برخی قراردادهای الکترونیکی ویژگی خاص دارد. زمانی که موضوع قرارداد کالای فیزیکی است، تفاوت عمدتاً به نحوه انعقاد محدود می‌شود، اما در معاملات مربوط به محتوای دیجیتال یا خدمات آنلاین، هم انعقاد و هم اجرا در محیط الکترونیکی تحقق پیدا می‌کند. در این وضعیت، مفاهیم سنتی مانند تسلیم باید بر اساس کارکرد اقتصادی آنها بازخوانی شوند. تسلیم محتوای دیجیتال زمانی تحقق می‌یابد که طرف قرارداد امکان واقعی و متعارف استفاده از آن را به دست آورد، نه صرفاً زمانی که داده‌ای به یک سرور منتقل شده باشد.

شروط ضمن عقد نیز نمونه روشنی از تداوم قواعد عمومی در محیط جدید هستند. قرارداد الکترونیکی می‌تواند همانند قرارداد سنتی شامل شروط صحیح، باطل یا مبطل باشد و صرف درج شرط در یک صفحه اینترنتی نمی‌تواند آن را از محدودیت‌های حقوقی رها سازد. در عین حال، شیوه ارائه شروط اهمیت ویژه‌ای دارد. شرطی که به صورت مبهم، مخفی یا دور از دسترس کاربر ارائه شده باشد، از جهت اثبات رضایت نسبت به آن با مسئله مواجه می‌شود. بنابراین، طراحی سامانه‌های الکترونیکی از منظر حقوقی نیز اهمیت دارد و باید به گونه‌ای باشد که کاربر بتواند پیش از پذیرش قرارداد از مفاد مؤثر آن آگاهی پیدا کند.

یکی از نتایج مهم این بررسی آن است که تفاوت‌های میان قرارداد الکترونیکی و مدنی را باید عمدتاً «تفاوت‌های شکلی و اجرایی» دانست، نه «تفاوت‌های ماهوی». آثار اصلی قرارداد، از جمله الزام طرفین، حق مطالبه اجرا، مسئولیت ناشی از نقض، اصل نسبی بودن و اعتبار شروط، در هر دو نوع قرارداد بر مبانی مشترکی استوارند. آنچه تغییر می‌کند ابزار تحقق این آثار و شیوه احراز عناصر لازم برای آنهاست. این تمایز از آن جهت اهمیت دارد که مانع ایجاد دو نظام کاملاً جداگانه برای قراردادهای سنتی و الکترونیکی می‌شود.

در عین حال، اتکای کامل به قواعد سنتی بدون توجه به ویژگی‌های فنی محیط دیجیتال نیز کافی نیست. حقوق تجارت الکترونیکی باید قواعد عمومی قرارداد را تکمیل کند و برای مسائلی که در فضای سنتی وجود نداشته یا اهمیت کمتری داشته‌اند راه‌حل ارائه دهد. انتساب داده‌پیام، اعتبار امضای الکترونیکی، زمان ارسال و دریافت، عملکرد سامانه‌های خودکار، امنیت اطلاعات و قابلیت نگهداری و بازیابی سوابق از جمله این مسائل هستند. این قواعد تکمیلی نباید ماهیت قرارداد را تغییر دهند، بلکه باید زمینه اجرای مطمئن قواعد عمومی در محیط الکترونیکی را فراهم کنند.

بر این اساس، مناسب است سیاست تقنینی در حوزه قراردادهای الکترونیکی بر اصل هماهنگی با حقوق مدنی استوار باشد. ایجاد قواعد موازی و نامنسجم می‌تواند به پیچیدگی بیشتر نظام حقوقی منجر شود. بهتر است قواعد خاص تجارت الکترونیکی در موارد ضروری به مسائل فنی اختصاص یابد و در سایر موارد، قواعد عمومی قراردادها مبنای تحلیل باقی بماند. این رویکرد هم ثبات نظری حقوق قراردادها را حفظ می‌کند و هم امکان پاسخ‌گویی به تحولات فناوری را فراهم می‌سازد.

همچنین، افزایش امنیت حقوقی در معاملات الکترونیکی نیازمند تقویت سازوکارهای احراز هویت و ثبت سوابق است. سامانه‌های تجاری باید امکان دسترسی طرفین به نسخه قابل نگهداری قرارداد، شرایط معامله، زمان ثبت سفارش و اطلاعات مربوط به پرداخت را فراهم سازند. این

امر علاوه بر کاهش اختلافات، امکان اثبات مفاد توافق در مراجع قضایی را نیز افزایش می‌دهد. شفافیت در معرفی طرف قرارداد نیز ضروری است، به‌ویژه در پلتفرم‌هایی که چندین فروشنده یا ارائه‌دهنده خدمات در آنها فعالیت می‌کنند.

در نهایت می‌توان گفت که توسعه قراردادهای الکترونیکی نه تهدیدی برای ساختار سنتی حقوق قراردادها، بلکه آزمونی برای انعطاف‌پذیری آن است. قواعد عمومی حقوق مدنی ظرفیت لازم برای پوشش بخش مهمی از این روابط را دارند، مشروط بر آنکه مفاهیم سنتی با توجه به کارکردهای فناوری جدید تفسیر شوند. قرارداد الکترونیکی از نظر آثار اساسی همان قرارداد حقوق خصوصی است که در بستری متفاوت شکل گرفته است. تفاوت ابزار نباید موجب انکار اثر حقوقی توافق شود و در عین حال، فناوری نیز نباید به وسیله‌ای برای دور زدن اصول بنیادین رضایت، اهلیت، مشروعیت، الزام‌آوری و حمایت از اعتماد مشروع طرفین تبدیل گردد. نقطه تعادل در آن است که وحدت مبانی حقوق قراردادها حفظ شود و قواعد ویژه تنها در حدی توسعه یابند که ویژگی‌های واقعی محیط الکترونیکی چنین مداخله‌ای را ضروری می‌سازد.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافعی وجود ندارد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

EXTENDED SUMMARY

The rapid development of information and communication technologies has transformed the manner in which contractual relationships are formed, documented, performed, and enforced, making electronic contracting an increasingly significant component of contemporary private law. Whereas civil contracts have traditionally been concluded through face-to-face negotiations, written instruments, correspondence, or other conventional manifestations of intent, electronic contracts are formed through data messages, websites, electronic platforms, email communications, automated systems, and other digital mechanisms. Despite this technological transformation, the fundamental legal question concerns whether electronic contracts should be regarded as a distinct contractual category with independent substantive effects or whether they remain subject to the general principles governing civil contracts. The general theory of contracts in Iranian law is based on the validity of legally recognized consent, the existence of contractual capacity, the legitimacy and determinacy of the subject matter, and the attribution of legally effective intent to the contracting parties (Katouzian, 2020). Shahidi likewise emphasizes that contractual obligations arise from the valid convergence of declarations of intent and that the external form of such declarations functions primarily as a means through which contractual intention is manifested (Shahidi, 2001). From this perspective, the use of electronic means does not necessarily alter the essential legal nature of agreement. Rather, it changes the technical medium through which offer, acceptance, authentication, evidence, and performance are expressed and verified. Studies concerning electronic contracts in Iranian law similarly indicate that the principal rules governing traditional contracts remain applicable to electronic transactions unless the particular characteristics of the digital environment require specific adaptations (Jahani, 2017). Accordingly, the central objective of this study is to comparatively examine the legal effects of electronic contracts and civil contracts and to

determine the extent to which the transition from conventional to electronic contracting changes the substantive rights and obligations of the parties, the binding force of agreements, the operation of contractual terms, the effects of contracts on third parties, and the evidentiary mechanisms through which contractual rights may be established and enforced.

The legal foundations of electronic contracts substantially overlap with those of conventional civil contracts because both derive their binding character from legally valid consent. In the general law of contracts, freedom of contract permits individuals to create legal relationships and determine their contractual obligations within the limits imposed by mandatory rules, public order, and legally recognized restrictions (Katouzian, 2020). This principle is equally applicable in electronic environments, where parties may determine the object, price, method of performance, delivery arrangements, warranties, and other contractual conditions through digital communications. Electronic contracting therefore does not eliminate the traditional requirements of offer and acceptance; rather, it modifies the manner in which those declarations are communicated. Aghaei Bajestani and Rouhani Moghaddam explain that electronic offer and acceptance remain conceptually consistent with conventional forms of contractual assent, although the moment of dispatch, receipt, and accessibility of electronic communications may create new interpretive difficulties (Aghaei Bajestani & Rouhani Moghaddam, 2008). Moghaminia similarly maintains that the distinguishing feature of an electronic contract lies principally in its method of formation rather than in the substantive nature of the contractual relationship itself (Moghaminia, 2012). The same reasoning applies to contractual capacity and the validity of consent. A minor, an incapacitated person, or a person lacking valid contractual intention does not acquire contractual capacity merely because a transaction is conducted through an electronic platform; the rules governing legal capacity remain applicable (Safaei, 2005). Likewise, the legitimacy and determinacy of the subject matter remain essential whether the contract concerns tangible property, physical services, software, digital content, or online services. In sales contracts, the basic legal effects relating to transfer, delivery, and payment continue to arise from the nature of the transaction itself rather than from the medium through which the agreement is concluded (Katouzian, 2019). Consequently, the electronic environment should primarily be understood as a new technical setting in which traditional contractual principles must be applied with sufficient flexibility to accommodate digital forms of communication and performance.

A major area of comparison concerns the binding effects of contracts and the corresponding rights and obligations created between the parties. Under general civil law principles, a valid contract is not merely an expression of moral intention but a legally enforceable relationship that requires the parties to perform the obligations they have assumed (Emami, 2019). The same principle governs electronic contracts. A seller who concludes an online sale remains bound to deliver the agreed goods or provide the promised digital service, while the buyer remains obliged to pay the agreed price in accordance with the contractual terms. The digital form of the transaction does not weaken the legal force of those obligations. Moghaddam and colleagues emphasize that the principal rights and duties of parties to electronic sales remain rooted in the traditional rules governing sale, although electronic transactions may impose additional informational and technical responsibilities (Moghaddam et al., 2017). These additional responsibilities arise because the buyer in an online environment frequently relies on information supplied through webpages, electronic catalogues, digital descriptions, or automated interfaces rather than direct inspection of the subject matter. As a result, the accuracy and clarity of information relating to the object, price, payment conditions, delivery method, and essential contractual terms acquire heightened importance. Furthermore, contractual effects are not

limited to provisions expressly written by the parties. Legal rules, customary practices, and the natural implications of the contractual relationship may supplement the express agreement (Ghasemzadeh, 2010). This principle is equally relevant in online transactions, where practices such as confirmation emails, digital receipts, order numbers, and automated notifications may acquire legal significance in interpreting the parties' obligations. Nevertheless, technological conventions cannot displace mandatory legal rules, and electronic contracting remains subject to the same fundamental limitations that regulate freedom of contract in conventional civil transactions.

Another important point of comparison relates to the relative effect of contracts and their consequences for third parties. In civil law, contractual obligations ordinarily operate between the parties and their lawful successors, while third parties cannot generally be burdened by obligations arising from agreements to which they have not consented (Katouzian, 2020). Emami likewise recognizes that the legal effects of contractual agreements are primarily confined to the contracting parties and those who legally succeed to their rights or obligations (Emami, 2019). Electronic contracts do not alter this principle, but the digital environment often makes identification of the actual contracting parties more complex. A single online transaction may involve a platform operator, a seller, a payment service provider, a delivery company, and other technical intermediaries. The involvement of these actors does not automatically make each of them a party to the principal contract. Instead, the legal position of each participant must be determined according to the structure of the transaction, the terms accepted by users, and the actual role performed in the contractual process. Moghaddam et al. note that accurate identification of parties is essential in electronic sales because rights and obligations cannot be assigned properly unless the legal status of each participant is clearly established (Moghaddam et al., 2017). The same principle applies to contractual stipulations benefiting third parties, which may also be created electronically. The use of digital means does not alter the substantive analysis of whether a third party has acquired an independent right or is merely the recipient of performance. Accordingly, the principle of contractual relativity remains intact, although electronic marketplaces and multi-party digital infrastructures create new practical difficulties in determining who is a contracting party, who is an intermediary, and who is legally a third party.

The most distinctive differences between electronic and civil contracts appear in the areas of evidence, authentication, attribution of intent, and the technical execution of obligations. Traditional contracts commonly rely on handwritten signatures, paper documents, physical presence, and conventional methods of proof, whereas electronic contracts depend on data messages, electronic signatures, system records, account credentials, digital receipts, and other technologically generated evidence. Ghanbari explains that the recognition of data messages is fundamental to electronic commerce because electronic transactions would otherwise lack an effective evidentiary basis (Ghanbari, 2014). Nouri and Nakhjavani similarly argue that the legal validity of electronic signatures depends on their capacity to identify the signatory and demonstrate approval of the relevant electronic information (Nouri & Nakhjavani, 2011). Thus, the legal value of an electronic signature should not be assessed solely by its physical form but by the reliability of the method used to authenticate the person and associate that person with the electronic record. Issues of attribution are particularly important when an account is accessed without authorization, when automated systems conclude transactions, or when technical errors generate unintended orders. Akbarineh and Mahmoudzadeh identify the attribution of intent in cyberspace as one of the major elements requiring careful examination in electronic transaction formation (Akbarineh & Mahmoudzadeh, 2016). Time and place of formation also present distinctive challenges, because an electronic message

may be dispatched at one moment, enter the recipient's information system at another, and be actually read later. Ghorbanvand emphasizes that determining the legally relevant time and place of electronic contracting may affect jurisdiction, applicable law, performance deadlines, and the commencement of contractual obligations (Ghorbanvand, 2010). Electronic records can nevertheless provide significant advantages by preserving transaction histories, timestamps, payment confirmations, and copies of contractual terms, thereby creating forms of traceability that may in some cases exceed those available in conventional transactions (Mohseni Moghaddam, 2010). The principal challenge is therefore not whether electronic evidence can be legally recognized, but how reliability, integrity, accessibility, and attribution should be evaluated.

The comparative analysis demonstrates that electronic contracts and civil contracts share the same fundamental legal foundations and generally produce the same essential substantive effects. Both depend on valid consent, contractual capacity, a legitimate and determinable subject matter, and compliance with mandatory legal rules. Both create binding obligations between the parties, permit the enforcement of contractual duties, recognize contractual terms within legally accepted limits, and operate principally according to the relative effect of contracts. The most significant differences arise not from the legal essence of the agreement but from the technological context in which contractual intention is communicated, recorded, verified, and performed. Electronic contracting requires particular attention to data messages, electronic signatures, authentication, automated systems, digital evidence, informational duties, and the determination of time and place of formation. These characteristics justify specific supplementary legal rules, but they do not require the creation of an entirely separate theory of contracts. A coherent legal approach should therefore preserve the general principles of civil contract law while adapting their application to the functional realities of digital transactions. Such an approach avoids unnecessary fragmentation of private law and provides greater consistency between traditional and electronic forms of contracting. The central conclusion is that electronic contracts should be treated as technologically transformed manifestations of conventional contractual relationships, with specialized rules introduced only where the digital environment creates genuine problems of attribution, evidence, authentication, performance, or protection of legitimate contractual expectations.

References

Aghaei Bajestani, M., & Rouhani Moghaddam, M. (2008). Offer and Acceptance in Electronic Transactions. *Jurisprudence and Legal Foundations*, *4*(13).

Akbarineh, P., & Mahmoudzadeh, F. (2016). Elements of Transaction Formation in Cyberspace. International Congress on Islamic and Human Sciences, Tehran.

Amiri Ghaem Maghami, A. (2008). *Law of Obligations: General Principles and Legal Events* (Vol. 2). Mizan.

Ansari, M. i. M. A. (2013). *The Book of Commercial Transactions* (Vol. 1). Dar al-Hikma.

Babagoli, I., & Khanlarzadeh, F. (2010). Barriers to the Growth and Development of E-Commerce in Iran. First National Conference on New Technologies in Engineering Sciences, Mashhad.

Cheeseman, H. R. (2003). *Contemporary Business & E-Commerce Law*. Pearson Education.

Dobson, P. (2003). *Charles worths business law*.

Emami, S. H. (2019). *Civil Law* (Vol. 1). Eslamieh.

Feyz Chekap, G. N. (2003). Proceedings of the Electronic Commerce Conference.

Ghanbari, A. (2014). *Electronic Commerce Law*. Jangal.

Ghasemzadeh, S. M. (2010). *Civil Law: Principles of Contracts and Obligations in Theory and Practice*. Dadgostar.

Ghorbanvand, M. B. (2010). The Time and Place of Electronic Contract Formation. *Public Law Research*, *12*(29).

Jafari Langroudi, M. J. (2009). *Encyclopedia of Civil and Commercial Law: Obligations, Contracts and Unilateral Legal Acts* (Vol. 1). Ganj-e Danesh.

Jahani, N. (2017). Principles Governing Electronic Contracts in Iranian Law. *Pajouhesh-e Melal*, *2*(17).

Katouzian, N. (2000). *A Step toward Justice* (Vol. 2). University of Tehran Press.

Katouzian, N. (2019). *Specific Contracts* (Vol. 1). Ganj-e Danesh.

Katouzian, N. (2020). *General Rules of Contracts* (Vol. 1). Majd.

Kaviar, H., & Mafi, H. (2013). *Legal Sources of Private International Law and Arbitration: Domestic and International*. Majd.
Moghaddam, A., Almasi, N. A., & Akhlaqi, B. (2017). Rights and Duties of Contracting Parties in Electronic Sales. *Iranian and International Comparative Law Research*, *10*(37).
Moghaminia, M. (2012). The Formation and Characteristics of Electronic Contracts. *Civil Law Knowledge*, *1*(1).
Mohseni Moghaddam, R. (2010). *An Examination of Electronic Commercial Documents* Science and Research University].
Nouri, M. A., & Nakhjavani, R. (2011). *Electronic Commerce Law*. Ganj-e Danesh.
Safaei, H. (2005). *Civil Law: Persons and Incapacitated Persons*. SAMT.
Safaei, S. H. (2013). *Civil Liability: Noncontractual Obligations*. SAMT.
Sanayei, A. (2002). *Electronic Commerce in the Third Millennium*. Academic Center for Education, Culture and Research, Isfahan.
Shahidi, M. (2001). *Formation of Contracts and Obligations*. Majd.
Shahidi, M. (2010). *Legal Thoughts*. Majd.
Shakouri Moghaddam, M. (2005). *Electronic Commerce Law*. Zarreh.
Tahouri, S. (2017). *The Nature of Sale and Its Formation in Jurisprudence and Civil Law*. Sepehr Azin.
Zayn al-Din ibn Ali, a.-S. a.-T., & Shirvani, A. (2017). *Commentary on al-Lum'a*. Dar al-Olum.